

درس: تایپ سریع ده انگشتی – Fast Typing

نویسنده: مهدی معتمدی – mmprogrammer.ir

این سری از آموزش ها برای تایپیست شدن شما فراهم شده... اما چگونه ممکن است؟

سریع تایپ کردن نیز مانند بقیه کارهای مهم با تمرین و تلاش فراوان میسر خواهد شد، تایپ کردن یک سری اصول دارد و از همین حالا یاد بگیرید که اصولی کار کنید. حتی اگر تایپ ده انگشتی را نمی پسندید ، مشکلی نیست : روش خودتان را طراحی کنید و بر اساس آن تایپ کنید (البته اگر روشتان سریع تر و بهتر باشد استفاده از آن قابل توجه است در غیر این صورت گوش به جان استاد بسپارید!)

اولین نکته: تمام متنی که پیش رویتان قرار دارد را بدون کوچکترین نگاهی به صفحه کلید نوشته ام. تعجب نکنید این چشم بندی نیست. بلکه یک هنر است. پس همین حالا تصمیم بگیرید و نگاه هایتان به کیبورد را کم و کم تر کنید. شاید تا به حال به مغز مبارکتان خطور کرده باشد که چرا مثلا دکمه space اینقدر گنده! و دکمه "الف" که اینقدر کاربردی است اندازه بند انگشت کوچیکه پاست!

در واقع ساختار کیبورد با توجه به دست انسان طراحی شده، همچنین جایگاه حروف با توجه به میزان کاربردشان در لغت. تقریبا می توان گفت دکمه هایی که در وسط قرار دارند پرکاربردترین ها و دکمه های بغلی کم کاربردترین دکمه های صفحه کلید هستند.

انگشت اشاره مبارک را روی حرف "ت" فارسی قرار دهید و کمی بمالید! می بینید که یک برآمدگی خوف ناک در کف آن وجود دارد که می خواهد بگوید: عزیز من، الان دستت را روی دکمه ت گذاشته ای یعنی پر کاربردترین حرف فارسی در دستان شماست. می توانید در کلمات از آن استفاده کنید. در مجموع منظور این بود که بدانید صفحه کلید شانس طراحی نشده و دانشمندان در دانشگاه های آن ور آب کلی از خودشان فکر در کردند تا اینی که می بینید ساخته شود.

انگشت اشاره دست راست را روی دکمه "ت" فارسی و انگشت اشاره دست چپ را روی دکمه "ب" فارسی قرار دهید. یک برآمدگی روی دکمه "ت" و یکی بر "ب" به شما می فهماند که دستانتان در کجا قرار دارند. بعد از یاد گرفتن این هنر می توانید چشم بسته تایپ کنید و از این طریق کلی دوستانتان را سرکار بگذارید یا حتی سر خیابون از ملت پول بگیرید که فلانی چشم بسته تایپ می کند!

تمرین ۱: یک سند خالی در Word یا هر نرم افزار مشابه باز کنید، سپس حروف زیر را بدون نگاه به صفحه کلید تایپ کنید.(فاصله را با استفاده از کلید space که کاملا نمایان است به وجود آورید، جهت اینکار باید انگشت

شصتتان همیشه روی این کلیک آماده باشد، در واقع یا شصت برای space ساخته شده یا space برای شصت که دیگر فکر میکنم موضوع رو گرفتین!

تتت ببب تتت ببب تتت ببب تتت ببب

بت تب بت تب بببت تتبب تتبب بتبب تتبب

استعدادتان واقعا شایان ستایش است! احسنت، این تمرین را ۳ بار انجام دهید (برای معلولان ذهنی نیز این مقدار کفایت میکند!)

حال دیگر می دانید که هیچوقت کیبورد زیر دستتان گم نمی شود فقط کافیست با انگشت اشاره به دنبال حروف "ت" و "ب" بگردید و بقیه اش حل است.

به احتمال زیاد شما در مجموع ده انگشت دارید، دو انگشت شصت که در کار space می باشند یعنی کلا سرکارن. (با توجه به اینکه در تمام کلمات حرف space وجود دارد دانشگاه های خاک برسری! آن ور آب تصمیم گرفتند که شصت ها را برای اینکار قرار دهند.)

اما می رویم سراغ تمرین دیم: (همین حالا ذکر میکنیم که برای یادگیری کامل حداقل به ۱ ماه تمرین نیاز دارید که دیگه استاد بشین برای خودتون اما می تونین کلاس شبانه وردارید و یک هفته ای هم تماش کنین، موردش را داشتیم)

انگشتان وسطی دست راستتان را که از همه گنده تره روی حرف کناری "ت" یعنی "ن" قرار دهید. چپی را هم روی حرف کناری "ب" یعنی "ی" قرار دهید. همینطور از همین الان عادت کنید چهار انگشت را در کنار هم روی حروف کناری قرار دهید، یعنی در مجموع هشت انگشتتان باید الان روی هشت کلید قرار گرفته باشد. یک نکته مهم دیگر اینکه دستانتان را سفت نگیرید و بگذارید خیلی راحت و با انعطاف جا به جا شوند.

تمرین ۲: (حال با انگشت وسطی می توانید حروف "ن" و "ی" را نیز تایپ نمایید)

نن یی ننی یین نی یین

تنی یتی بتی بنی بنت تنب تین بین بیت

خیلی تلاش کردیم تا چهار تا کلمه معنی دار از خودمان درآوریم اما سخت تر از آن بود که انتظار می رفت. البته ناراحت نباشید شما هم بالاخره اینکاره می شوید. هیچکس روز اول انیشتین به دنیا نمی آید که...

باز هم سلام، و صد سلام خدمت شما عشق‌های خودم: در ادامه آموزش های قبلی می رویم و با سرعت بیشتری اینبار ادامه می دهیم.

حتما حدس زده اید که حرف "م" و "س" با استفاده از انگشتان انگشتری دست راست و چپ تایپ می شوند. پس دیگر گفتن ندارد که این را هم بهتان یاد داده ایم! (نکته: تایپ کردن با انگشتان انگشتری و انگشت کوچک! در ابتدا کمی سخت به نظر می رسد، اما به مرور زمان دستانتان قوی خواهد شد و ماهیچه های پر سرعتی به دست خواهید آورد، به ما اعتماد کنید!) حال وقت آن است که یک قانون مهم را در تایپ ده انگشتی متذکر شویم: وقتی می خواهید حرفی به غیر از آنهایی که انگشتانتان در حالت استاندارد روی آن ها قرار دارد را تایپ کنید، کفایت بهترین انگشت را به کار گرفته و جهت تایپ از آن بهره ببرید.

از حروف "ا" و "ل" شروع می کنیم، جهت تایپ اولی انگشت اشاره دست راست را به سمت آن حرکت داده ، می فشاریم و سپس انگشت را به سمت حرف "ت" که مادرزاد برایش متولد شده! باز می گردانیم. (قانون: هر انگشت باید بعد از تایپ به کلید مادرزاد! خودش باز گردد)

بسیار ساده بود. ذکر می کنیم که اصلا لازم نیست از حالا نگران سرعت باشید، زیرا اساساً سرعت به مرور زمان بدست می آید، پس تنها یک چیز برای شما مهم است: دقت و باز هم دقت با دقت تمام حروف را لمس کنید؛ فهم را فدای سرعت نکنید.

خوب زمان آن رسیده که با یک تمرین عملی حسابی کار را جا بیاندازیم.

تمرین ۳: (انگشتان در جایگاه مناسب قرار گرفته و آماده عملیات میشوند.)

مم سس مس سم مست تسم مسیت

تام لام بام سام نام مانی نانی

ملی ملیت منی مالی نامی سال بال

خوب لازم به ذکر است که برای کلمات بالا کلی فکر از خودمان در کردیم پس آن ها را جدی بگیرید و کاملا چند بار تمرین کنید. Thanks a lot!

جلسه چهارم رسید، انگار همین دیروز بود که تصمیم گرفتیم تکه کاغذی از خودمان به جای گذاریم بلکه ماندگار شویم! که البته واقعا هم همین دیروز بود! شما هم اکنون دارید یک هنر را یاد می گیرید، هیچوقت نمی توان لذتی که یک هنرمند از هنرش بدست می آورد را با خواندن یا مشاهده آن مقایسه کرد... پس یاد بگیریدش.

حال که کم حرف ها سنگین می شود، می خواهیم با یک تمرین سنگین تر برویم سراغ انگشت کوچیکه که از قضا در زبان فارسی بسیار پر کار از آب درآمده! مجموعاً حروف "ح ج چ پ ک گ" به انگشت دست راست و حروف "ش ض ظ" به دست چپ تعلق دارد. به حروف ذکر شده خوب نگاه کنید و ببینید که چگونه در صفحه کلید مرتب شده اند، در موقع تایپ نگاه کردن به کیبورد برای یک تایپیست حیس ابد دارد! (با توجه به اینکه می خواهیم در شش جلسه سر و ته اش را به هم بدوزیم و غیره و ذلک زدیم به سیم آخر!)

بماند که کلید های Enter و Shift و Caps Lock و Tab و Ctrl و Backspace نیز با همین انگشت پرکار به تحریر در می آیند. که البته بماند برای جلسه ششم.

می دانیم که تا به حال با انگشت کوچیکه تان دماغ هم تمیز نکرده اید چه برسه به تایپ! ولی تمرین شما را به جایی خواهد رساند که تمامی انگشتانتان در قدرت و سرعت به توازن برسند.

و اما می رویم سراغ نوشتن تمرین:

تمرین ۴: (تا الان چی جوری Enter می زدید؟! از این به بعد با انگشت کوچیکه دست راست بزنید لدفاف!)

کک شش حح ضض جج ظظ چچ گگ

کمکان کامی تامی ای کاش ماش تاش لاش

جاش چاشنی بنال تا من بچایم

چایی خال بشم بجستان نمیش جمال

لانتیا مانتیا گام کام چای جای حای حسین شالکش

به جان شما همین ها را هم به زور نوشتیم پس از این حرف ها که تمرینات غیر علمی است از اینا نزنید چون عمری در مدرسه با روش های غیر علمی بزرگ شدید و جواب داد و اینجا هم جواب می ده! این را یک چند باری تمرین کنید، بعداً با متون واقعی و مشتریان واقعی تمارین بعدی را انجام دهید زیرا بهترین تمرین در هر هنری بی تردید کار عملی است.

بی نظیر است که تا اینجا پیش آمده اید. از اینکه تمرینات شش جلسه است نارحت نشوید، حداقل فایده اش این است که از زیاد بودن دروس و تمارین بی معنی خسته نخواهید شد...

به صفحه کیبورد با دقت نگاه کنید: حرف "ع" بالای حرف "ت" قرار گرفته اما کمی چپ تر است، اگر به آناتومی دستتان بنگرید متوجه خواهید شد که دانشمندان چه کرده اند... دست راست در جای خود قرار دهید و سعی کنید کلید "ع" را لمس کنید، می بینید که اینکار آسان است زیرا صفحه کلید همانطوری است که شما نیاز دارید.) حروف "ع غ ا د ئ" به وسیله انگشت اشاره دست راست، و حروف "ل ف ق ذ ر" به وسیله انگشت اشاره دست چپ تایپ خواهد شد.

یعنی انگشتان اشاره در مجموع برای تایپ ۱۲ حرف به کار می روند.

انگشتان وسط دست راست و چپ به ترتیب "ه و" و "ث ز" را تایپ می کنند. (در رابطه با حرف "ز" اشکالی وجود ندارد که به وسیله انگشت اشاره دست چپ تایپ شود، سلیقه ایست)

انگشتان انگشتی راست و چپ نیز به ترتیب "خ . و" و "ص ط" را تایپ می کنند. (آموزش تایپ اعداد و برخی علامت ها در پیوست وجود دارد.)

اینجوری نگاه نکنید که اینها خیلی سخت است و از پس انگشتان ما بر نمی آید، اگر بخواهید می شود. به قول شاعر: **it's easy if you try**

تمرین ۵: (انگشتان خود را سفت نگیرید، به جای سریع بودن سعی کنید با دقت عمل کنید.)

زندگی را با چیزهای بسیار ساده پر باید کرد. ساده ها، سطحی نیستند. خرید چند سیب ترش می تواند به عمق فلسفه ملاصدرا باشد. مشکل ما این است که برای شیرین کردن زندگی معجزه نمی کنیم. مشکل ما این است که همان قدر که ویران می کنیم نمی سازیم. همان قدر که کهنه می کنیم تازگی نمی بخشیم. همان قدر که دور می شویم، باز نمی گردیم. همان قدر که آلوده می کنیم پاک نمی کنیم. همان قدر که تعهدات و پیمان های نخستین خود را فراموش می کنیم آن ها را به یاد نمی آوریم. همان قدر که از رونق می اندازیم رونق نمی بخشیم. مشکل ما این است که از همه رویاهای خوش آغاز دور می شویم و این دور شدن به معنای قبول سلطه بی رحمانه زمان است. بر سر قول و قرارهای نخستین نماندن باور پیرشدگی روح است و خواجگی عاطفه. عشق چاه ویل را هم پر می کند. از کتاب "یک عاشقانه آرام" اثر نادر ابراهیمی

خوب دوستان گرامی وقت آن است که کارمان را تکمیل کنیم و حسابی تایپیست شویم.

کلید های ترکیبی آخرین مطلبی است که باید آن را فرا بگیرید. در این کلید ها باید با فشردن دو کلیک با هم یک حرف تازه را تایپ نمایید.

اکثر این حروف با کلید Shift قابل تایپ هستند. اگر دقت کنید کلید Shift و Ctrl و Alt در دو طرف صفحه کلید جای گرفته، این برای اینست که به وسیله هر دو دست قابل فشردن باشند.

از حرف "آ" آغاز می کنیم، حرف "ا" به وسیله دست راست تایپ می شود پس ابتدا با انگشت کوچک دست چپتان کلید Shift را نگه داشته و سپس روی کلید "ا" کلیک می کنیم و می بینید که "آ" تایپ شده است.

در واقع این یک الگو است که کلید ترکیبی باید با دو دست تایپ شود تا سرعت تایپیست بیشتر از آنی که فکرش را می کنید شود. پس یکدست کلید ترکیبی و دیگری کلید اصلی را می فشارد.

اما حروف ترکیبی مهم که با آنها در زبان فارسی سروکار خواهیم داشت:

ژ = Shift + ز

إ = Shift + ذ

أ = Shift + د

ء = Shift + ئ

؟ = Shift + /

" = Shift + گ

: = Shift + ک

» = Shift + ن

« = Shift + م

آ = Shift + ا

تـ (کشش حرف) = Shift + ت

تّ (تشدید) = Shift + ب

تِ (کسره) = Shift + ی

تُ (ضمه) = Shift + س

تَ (فتحه) = Shift + ش

تِث = Shift + ث

تُص = Shift + ص

تُض = Shift + ض

؛ (نقطه ویرگول) = Shift + غ

، (ویرگول) = Shift + ف

جدا کردن حروف بدون فاصله (نیم فاصله) = Ctrl + Shift + 2 مثال: می‌رسد، شماره‌ی، بهترین‌ها
یکمی تعدادش زیاد به نظر می‌رسد اما لازم نیست که اینها را حفظ کنید، کافیس‌ت بدانید که صفحه کلیدتان چنین
قابلیت‌هایی دارد، بقیه‌اش در زمان اجرا یاد گرفته می‌شود و حل خواهد شد.
با توجه به اینکه حالا حسابی کار بلد شده ایم؛ می‌خواهیم چند تمرین عملی توپ انجام دهیم (انجامش اختیاری
است اما اگر گزینه بهتری روی میز ندارید پیشنهاد می‌کنیم حسابی به دستانتان با این تمرینات حال بدهید!)
یک تایپیست حرفه‌ای حداقل در یک دقیقه توانایی تایپ ۱۰۰ کلمه را دارد، که در تایپ ۱۰ انگشتی با صرف
کمترین انرژی قابل انجام است زیرا انگشتان شما مداوم بعد از انجام کارشان به استراحت باز می‌گردند.
ولی همانطور که قبلاً نیز ذکر کردیم با خیال راحت و دقت تایپ کنید، سرعت به مرور زمان و با نگاه نکردن به
کیبورد و پس از آن، نگاه نکردن به صفحه مانیتور به دست می‌آید. نرم افزارهایی مانند Office Word خودشان
کلمات اشتباه را پیدا میکنند و غلط‌ها را از بین می‌برند پس دیگر چرا باید به صفحه مانیتور نگاه کنید وقتی که
می‌توان فقط به متن مورد نظر نگاه کرد؟ (البته باید بسته امکانات فارسی word را روی آن نصب نمایید).
در تایپ ده انگشتی تایپ کردن همان خواندن است و در حین خواندن بدون نگاه به جای دیگری تایپ انجام
خواهد شد.

تمارین :

متن شماره ۱:

دان هرالده، کاریکاتوربست و طنز نویس آمریکایی در سال ۱۸۸۹ در ایندیانا متولد شد و در سال ۱۹۶۶ چشم از جهان فرو بست. دان هرالده دارای تالیفات زیادی است اما قطعه کوتاهش «اگر عمر دوباره داشتم...» او را در جهان معروف کرد. بخوانید:

البته آب ریخته را نمی توان به کوزه بازگرداند، اما قانونی هم تدوین نشده که فکرش را منع کرده باشد. اگر عمر دوباره داشتم،

می کوشیدم اشتباهات بیشتری مرتکب شوم.

همه چیز را آسان می گرفتم.

از آنچه در عمر اولم بودم ابله تر میشدم.

فقط شماری اندک از رویدادهای جهان را جدی می گرفتم.

به مسافرت بیشتر می رفتم.

از کوه های بیشتری بالا می رفتم و در رودخانه های بیشتری شنا می کردم.

بستنی زیاد می خوردم و اسفناج کمتر.

مشکلات واقعی بیشتری می داشتم و مشکلات واهی کمتری.

آخر، ببینید، من از آن آدم هایی بوده ام که بسیار محتاط و خیلی عاقلانه زندگی کرده ام، ساعت به ساعت، روز به روز. اوه، البته من هم لحظات سرخوشی داشتم.

اما اگر عمر دوباره داشتم از این لحظات خوشی بیشتر می داشتم.

من هرگز جایی بدون یک دماسنج، یک شیشه داروی قرقره، یک پالتوی بارانی و یک چتر نجات نمی رفتم. اما اگر عمر دوباره داشتم، سبک تر سفر می کردم.

اگر عمر دوباره داشتم، وقت بهار زودتر پابرهنه راه می افتادم و وقت خزان دیرتر به این لذت خاتمه می دادم. از مدرسه بیشتر می گریختم.

گلوله های کاغذی بیشتری به معلم هایم پرتاب می کردم.

سگ های بیشتری به خانه می آوردم.

دیرتر به رختخواب می رفتم و می خوابیدم.

بیشتر عاشق می شدم.

به ماهیگیری بیشتر می رفتم.

پایکوبی و دست افشانی بیشتر می کردم.

سوار چرخ و فلک بیشتر می شدم.

به سیرک بیشتر می رفتم.

در روزگاری که تقریباً همگان وقت و عمرشان را وقف بررسیِ وخامتِ اوضاع می کنند، من به ستایشِ سهل و آسان

تر گرفتنِ اوضاع می پرداختم، زیرا من با ویل دورانت موافقم که می گوید: «شادی از خرد عاقل تر است.»

اگر عمر دوباره داشتم، گلِ مینا از چمنزارها بیشتر می چیدم...

پس بیاید تا تمام نشده یک بار دیگر جور دیگری نگاهش کنیم، شاید بهتر باشد به نحوی زندگی کنیم که تا وقتی

زنده ایم آدم‌ها دل‌شان برای مان تنگ بشود نه وقتی که عمرمان به پایان رسید.

متن شماره ۲:

ادیسون در سنین پیری پس از کشف لامپ، یکی از ثروتمندان آمریکا به شمار می رفت و درآمد سرشارش را تمام

و کمال در آزمایشگاه مجهزش که ساختمان بزرگی بود هزینه می کرد...

این آزمایشگاه، بزرگترین عشق پیرمرد بود. هرروز اختراعی جدید در آن شکل می گرفت تا آماده بهینه سازی و

ورود به بازار شود.

در همین ایام بود که نیمه شب از اداره آتش نشانی به پسر ادیسون اطلاع دادند، آزمایشگاه پدرش در آتش می

سوزد و در واقع کاری از دست کسی بر نمی آید و تمام تلاش مأموران فقط برای جلوگیری از گسترش آتش به

سایر ساختمان هاست!

آن‌ها تقاضا داشتند که موضوع به نحو قابل قبولی به اطلاع پیرمرد برسد...

پسر با خود اندیشید که احتمالاً پیرمرد با شنیدن خبر سگته می کند. لذا از بیدار کردن او منصرف شد و خودش

را به محل حادثه رساند و با کمال تعجب دید که پدرش در مقابل ساختمان آزمایشگاه روی یک صندلی نشسته

است و سوختن حاصل تمام عمرش را نظاره می کند.

پسر تصمیم گرفت جلو نرود و پدر را آزار ندهد. او می اندیشید که پدرش در بدترین شرایط عمرش به سر می برد.

ناگهان ادیسون سرش را برگرداند و پسرش را دید. با صدای بلند و سرشار از شادی گفت: «پسر تو اینجا؟ می

بینی چقدر زیباست؟ رنگ آمیری شعله‌ها را می بینی؟ حریت آور است! من فکر می کنم که آن شعله‌های بنفش

به علت سوختن گوگرد در کنار فسفر به وجود آمده است. وای خدای من! چه زیباست! کاش مادرت هم اینجا بود

و این منظره زیبا را می دید. کمتر کسی در طول عمرش امکان دیدن چنین منظره‌ای را خواهد داشت! نظر تو

چیست پسر؟!»

پسر حیران و گیج جواب داد: «پدر تمام زندگی ات در آتش می سوزد و تو از زیبایی رنگ شعله ها صحبت می کنی؟! چه طور می توانی؟! من تمام بدنم دارد می لرزد و تو خونسرد نشسته ای؟!»

پدر گفت: «پسرم، از دست من و تو که کاری بر نمی آید. مأموران هم که تمام تلاششان را می کنند. در این لحظه بهترین کار لذت بردن از منظره ای است که دیگر تکرار نخواهد شد؟! در مورد آزمایشگاه و بازسازی یا نوسازی آن فردا فکر می کنیم! الآن موقع این کار نیست! به شعله های زیبا نگاه کن که دیگر چینی امکانش را نخواهی داشت!»

توماس ادیسون سال بعد مجدداً در آزمایشگاه جدیدش مشغول کار بود و همان سال یک از بزرگ ترین اختراعات بشری، یعنی ضبط صدا را تقدیم جهانیان کرد. آری، او گرامافون را درست یک سال پس از آن واقعه اختراع کرد...

متن شماره ۳:

به نظر گاندی هفت موردی که بدون هفت مورد دیگر خطرناک هستند:

۱- ثروت، بدون زحمت

۲- لذت، بدون وجدان

۳- دانش، بدون شخصیت

۴- تجارت، بدون اخلاق

۵- علم، بدون انسانیت

۶- عبادت، بدون ایثار

۷- سیاست، بدون شرافت

این هفت مورد را گاندی تنها چند روز پیش از مرگش روی یک تکه کاغذ نوشت و به نوه اش داد.

متن شماره ۴:

شب آقای جونز صاحب مزرعه مانر در اصطبل ها و مرغدان ها را قفل کرد ولی از شدت مستی فراموش نمود دریچه ها را ببندد. در حالیکه روشنایی دایره ای شکل فانوس او، رقص کنان روی زمین از سویی به سویی دیگر حرکت می کرد، تلوتلو خوران از حیاط رد شد. پشت در، چکمه هایش را به گوشه ای پرت کرد. آخرین بار، لیوانش را در شربت خانه از خمره پر از آبجو نمود و سرکشید و به سوی تختخوابش به راه افتاد. خانم جونز، خواب بود و داشت خروپف می کرد.

با خاموش شدن چراغ اتاق خواب آنها، در همه جای مزرعه ولوله و جنب و جوش به راه افتاد. شایع شده بود که میجر پیر، خوک نر برنده جایزه نمایشگاه حیوانات، شب قبل خواب عجیبی دیده است و دوست دارد آن را برای دیگران بازگو نماید. حیوان ها قرار گذاشته بودند که پس از خوابیدن آقای جونز در طولیه بزرگ دور هم جمع

شوند. میجر پیر برای آنها محترم بود و همه حاضر بودند برای شنیدن سخنانش، ساعتی از خواب خود صرف نظر کنند.

کتاب "قلعه حیوانات" اثر جورج اورول - نشر اختر

متن شماره ۵:

وقتی به خودتان می گوئید: قرار است که من یک ملاقات خوب یا سفری لذتبخش داشته باشم، شما دارید دقیقاً نیروها و عواملی را جلوتر از خودتان می فرستید که همه چیز را طوری مرتب می کند که ملاقات یا سفر شما خوشایند و لذت بخش شود. اگر قبل از ملاقات یا سفر یا خرید، خلق خوشی نداشته باشید یا ترسیده باشید یا از چیز ناخوشایندی نگران باشید، جلوتر از خودتان عوامل نادیدنی ای را می فرستید که باعث ایجاد ناخوشی می شود. افکار ما یا به عبارت دیگر حالت های ذهنی ما پیشاپیش تعیین کننده وقایع خوب یا بد برای ما هستند»
پرنیس مالفورد

پیوست ۱: تایپ ماشین حسابی

در نوت بوک ها و برخی کیبورد ها بخش ماشین حسابی وجود ندارد. این بخش که در سمت راست کیبوردتان هست و شامل ۱۰ رقم، علامت های "+", "-", "*", "/" و کلید Num Lock می باشد که کارش قفل کردن این بخش است.

زمان هایی که قرار است با ماشین حساب کار کنید استفاده از آموزش شمارا به سرعت نور خواهد رسانید! از اون علامت هایی که روی "ت" بود حالا روی عدد "۵" هست که اگر انگشت وسط دست راست خود را روی آن قرار دهید خیلی نرم مالش دهید متوجه آن میشوید.

انگشت اشاره روی عدد ۴، انگشت انگشتری روی عدد ۶، انگشت کوچیکه هم روی کلید Enter قرار میگیرد. حالا احتمالاً حدس زدید که چگونه ارقام ۰، ۱، ۲، ۳ را وارد کنید...

علامت + و - را که میشناسید، علامت * نشانه ضرب و علامت / نشانه تقسیم می باشد.

اما برای تایپ اعداد و علامت های ریاضی در لابه لای حروف باید چه کرد؟ ردیف چهارم از پایین برای اینکار ساخته شده است.

همانطور که قبلاً با آناتومی دست آشنا شده بودید، برای تایپ این اعداد نیز بر اساس آناتومی دستانتان از هشت انگشت استفاده خواهید کرد و با نگه داشتن کلید Shift و زدن آنها میتوانید علامت ریاضی را تایپ نمایید. البته که می توانید از بخش ماشین حسابی هم برای تایپ استفاده کنید.

پیوست ۲: تایپ سریع زبان انگلیسی

عملاً هیچ فرقی ندارد، تایپ زبان فارسی بسیار سخت تر از انگلیسی است پس کسی که فارسی را یاد گرفت، دیگر انگلیسی برایش کاری ندارد، فقط یک مقدار کمی تمرین و آشنایی با جایگاه حروف لازم است و بس.

هرروزتان پر از عشق و تلاش

مهدی معتمدی - بهار ۱۳۹۵